

۱۶ آذر، روز اعتراض متحدانه علیه اختناق و بی حقوقی!



آزادی، برابری

لغو آپارتاید جنسی

فروغ نیروهای انتظامی از دانشگاه ها

لغو فوری امکان کمیته های انضباطی

آزادی فوری زندانیان سیاسی

آزادی بیقید و شرط بیان

آزادی بیقید و شرط تشکل

www.jawanx.com

سازمان جوانان کمونیست

۱۶ آذر روز دانشمندی را باید به روزی که صف بسیار بزرگی از آزادیخواهان

بر علیه استبداد رژیم اسلامی و اختناق مافی متحدانه شعار آزادی و برابری را سر میدهند تبدیل کنیم.

### در صفحات دیگر

به جوانان و مردم مبارز سقز در حاشیه بازدید بدنی دانش آموزان دبیرستان مهر

اخراج کارکنان و دانشجویان دانشگاهها همچنان ادامه دارد  
اخراج گروهی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کردستان محکوم است!

علیه حکم تبعید پیمان نودینیان اعتراضی محکم لازم است

### قربانیان شکست جنگی آمریکا (2) شکست پروژه سازمان زحمتکشان



رحمان حسین زاده

که سازمان زحمتکشان را بر اساس آن سرهم بندی کردند، ضروریست.

1- حاکمیت ناسیونالیسم در کردستان عراق:

سازمان زحمتکشان نوزاد ناکامل عروج و حاکمیت ناسیونالیسم در کردستان عراق بود. گرایش ناسیونالیستی درون کومه له و حزب کمونیست ایران در بطن بحران خلیج اول و کنترل کردستان عراق توسط اتحادیه میهنی و پارت دمکرات کردستان عراق قوت قلب جدی گرفت. راه خلاصی از دست کمونیسم کارگری و گرایش چپ در درون کومه له را با

و مشخصا سازمان زحمتکشان است. دلایل بسیار روشن است. با این واقعه ستون مهمی که چند سال قبل بر اساس آن سازمان زحمتکشان را معماری کردند، فرو ریخته است. یک بحران سیاسی و عمیق سراپای سازمانشان را در بر گرفته است. در پس کشمکشهای جنگ قدرت و تشکیلاتی، باز تعریف مجدد هویت سیاسی و سازمانیشان محور مباحث کنگره اخیرشان و عینا محور انشقاق و دسته بندیهای درون کنگره شان بوده است. قالب سیاسی و سازمانی کنونی سازمان زحمتکشان زیر سوال رفته است. برای نشان دادن این واقعیت مروری مختصر بر آن محورهایی

در مطلب قبلی تحت نام "فدرالیستهای کردستان، قربانیان شکست جنگی آمریکا" وعده دادم مورد به مورد موقعیت بوجود آمده برای سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات را بررسی کنم. در این مطلب شکست سازمان زحمتکشان را بررسی میکنیم. این حکم اغراق نیست اگر گفته شود قربانی ترین قربانی شکست جنگی آمریکا در عراق فدرالیستهای کردستان ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زحمتکشان را ضروری می‌کرد، هیچکدام بر جای خود باقی نیست. آینده فدرالیسم و حاکمیت احزاب ناسیونالیست کردستان عراق در ابهام است. پدیده دیالوگ با خاتمی بسیار زود پوچی خود را نشان داد. و آخرین امپدیمان منی بر اینکه در رکاب ارتش آمریکا راهی کردستان ایران شده و به فدرالیسم می‌رسند، شکست خورده است. انزوای سیاسی در میان مردم و آزادیخواهان و ناکام ماندن در غصب نام کومه له اتفاق افتاده است. این فاکتورها مبنای بحران سیاسی عمیق این جریان را تشکیل می‌دهد. متمرکز شدن اختلافات و کشمکشهای جناحهای درونی آنها در گذرگاه اخیر حول حذف و یا حفظ آن بند اساسنامه که جریانشان را "سوسیالیست" معرفی کرده است، دقیقاً انعکاس این بحران سیاسی است. سازمان زحمتکشان در اوضاع مشخص سال 2000 و با فرضیات و چشم اندازهایی معماری و سرهم بندی شد که آن فرضیات و چشم اندازها همگی عوض شده و یا بخشا در صحنه سیاست موضوعیت ندارند. بسیار طبیعی است محصول آن فرضیات و چشم اندازها هم موضوعیت خود را از دست داده و باید عوض شود. باز تعریف سیاسی و سازمانی این جریان به این دلیل در مقابلشان قرار گرفته و تنش و اختلاف حول آن رهبری و صفوفشان را دو شقه کرده است.

#### 6- آینده سازمان زحمتکشان

سازمان زحمتکشان در قالب سیاسی کنونی به بن بست رسیده است. سرکردگان این جریان مهدی و ایلخانی زاده با شکست دیگری روبرو شده اند، اما این خیرگان شکست پشت شکست یکبار هم شده جسارت قبول مسئولیت شکست و ناکامیشان را ندارند. جسارت کناره گیری از سیاست و انحلال سازمان سیاسیشان را ندارند. بلکه بار دیگر به فکر رنگ و روغن کاری دکان سیاسی هستند که بنا به مصلحت روز ظاهر سیاست و تاکتیک برایش تعیین کنند. در جامعه ای متعفن سران زحمتکشان میبایست این سازمان را منحل می‌کردند. این به نفع خود آنها و به نفع مردم و جامعه میبود. واقعیت اینست شرقی گری و عقب ماندگی فضای سیاست در کشورهایی مثل

ایران و عراق بویژه در فضای ناسیونالیسم کرد امکان ادامه مانورهای سیاسی را به آنها میدهد.

یک عامل مهم بحران سیاسی این جریان منزوی شدن در میان بخش آزادیخواه و چپ جامعه کردستان است. این گروه با ربودن اسم کومه له و سرمایه گذاری بر سابقه چپ این جریان و پناه بردن به احساسات خانواده جانباختگان میخواست کالای ناسیونالیستی و فدرالیستی کنونی را به نام یک سازمان چپ به جامعه بفروشد. کم کاری و محافظه کاری و درک سطحی رهبری رسمی کومه له از سیاست و عملکرد این جریان قوم پرست افراطی مجال بهره برداری این جریان سیاه و ناسالم سیاسی را تحت نام کومه له به سازمان زحمتکشان داده بود. امروز ما کمونیستهای کارگری با افتخار اعلام میکنیم سهم بزرگی در این واقعیت داشتیم که این شعبده بازی سیاسی آنها را رسوا کنیم. با اتکا به اولین نوشته درخشان منصور حکمت در بنو ایجادشان در اوت 2000 و به دنبال آن با اتکا به انبوه مطالب و اعلامیه های شخصیتهای خوشنام و با توریته جنبش کمونیستی و چپ جامعه کردستان در این 6 سال، تصمیم گرفتیم آنها را منزوی و افشاء کنیم، تصمیم گرفتیم شکر استفاده از نام کومه له توسط آنها را ناکام کنیم و تصمیم گرفتیم ماهیت سیاه و قوم پرستانه آنها را به درک جامعه تبدیل کنیم و امروز حاصل این تلاش پیگیر ما نقش مهمی در انزوای آنها در میان آزادیخواهان و چپ جامعه، در ناکامی آنها از اسم کومه له و حتی در برخورد روشن و قاطعتر سازمانهای چپ ایران و خود کومه له که زمانی به دلیل پرده برداشتن از ماهیت قوم پرستانه و سناریو سیاهی آنها ما کمونیستهای کارگری و حکمتیستها را به "چپ روی و برخورد تند" به آنها متهم میکردند، داشته است. انزوای آنها در میان آزادیخواهان و چپ و در میان کارگران و مردم زحمتکش یک فاکتور مهم جدایی ترک صفوف آنها از جانب فعالین و اعضای سالم و آزادیخواه این جریان در یکسال اخیر بوده است. شواهد نشان میدهد این روند بویژه در شهرها ابعاد بیشتر و سریعتری به خود خواهد گرفت.

#### 5- بحران کنونی و باز تعریف مجدد هویت سیاسی

همانطور که در این مطلب اشاره کردیم پایه هایی که به زعم مهدی- ایلخانی زاده ایجاد سازمان

چارچوب کومه له نتوانستند به این هدف برسند. یک ستون مهم ایجاد سازمان زحمتکشان به منظور هماهنگی و همسویی با آمریکا در منطقه بود. مهدی و همفکرانش سناریو سیاه سازیهای آمریکا و متحدانش را در یوگوسلاوی سابق و افغانستان و ... میدیدند. سرمایه گذاری آمریکا و غرب را بر قوم پرستی و گروههای مسلح قوم پرست میدیدند، شکل گیری سریع امثال "ارتش آزادیبخش کوسوو" به کمک غرب را میدیدند و دقیقاً برای ایفای چنین نقشی در خدمت سیاستهای آمریکا در ایران از کومه له انتساب کردند و سازمان ایجاد کردند. شیفث کردن سریع و افراطی مهدی و همفکرانش به قوم پرستی و فدرالیسم بر عکس آنچه خود وانمود میکنند، نه از روی کشف سیاسی و مطالعه بیشتر در باب مسئله ملی، بلکه دقیقاً از روی محاسبات کوتاه بینانه و اپورتونیستی همیشگی عبدالله مهدی و در راستای تبدیل شدن به جریان قوم پرست مسلح منطبق با سناریو سازی آمریکا بود. جنگ عراق و سقوط صدام به دست آمریکا و سوسه تکرار این نقشه جنگی در ایران را در میان اپوزیسیون راست و بویژه قوم پرستان ایران و کردستان به اوج رساند. عبدالله مهدی گستاختر از هر کسی در میان اپوزیسیون راست ایران چه قبل از جنگ و چه بعد از جنگ آمریکا در عراق از جنگ آمریکا در عراق دفاع کرد و امید به تکرار نقشه عراقیزه کردن ایران را تبلیغ کرد و در این راستا آمالگی پادویی خود و جریانش را در خدمت پنتاگون اعلام کرد. با همین امید واهی به همراه دیگر جریانات سیاه قوم پرست در واشنگتن حضور پیدا کرد. در سه ساله اخیر و از زمان وقوع جنگ آمریکا در عراق این جریان صفوف خود را با امید به وقوع جنگ آمریکا در ایران و سرنگونی سریع جمهوری اسلامی و به نان و نوایی رسیدن از این طریق حفظ کرده است. اکنون شکست آمریکا در عراق قطعی شده است. امکان نخلت نظامی آمریکا در ایران خوشبختانه بایگانی شده است. در نتیجه یک پایه مهم دیگر سرهم بندی کردن سازمان زحمتکشان فرو ریخته است. ناامیدی و سردرگمی عمیق کنونی آنها در همین واقعیت ریشه دارد.

#### 4- "نه" بزرگ بخش آزادیخواه و چپ جامعه به این جریان

بعد از کشتار مردم شهرهای کردستان و بویژه شهر سنندج توسط جمهوری اسلامی در ظرفیت رهبری کومه له صراحتاً به دیالوگ با جمهوری اسلامی تمایل نشان داد. این حرکت مهدی در همان مقطع با نقد و افشاکگری روشن و علنی جریان ما (مشخصاً نوشته در حسرت دیالوگ فاتح شیخ و خط مشی عبدالله مهدی و آینده کومه له از من) و مخالفت بخشی از رهبری و بننه کومه له از درون ناکام ماند. یکی از دلایل تدارک انشعاب از کومه له و دست بردن به توطئه های درونی و جعبه سیاه مشهور (جعبه سیاهی که هنوز به دلیل محافظه کاری رهبری کنونی کومه له توده مردم و حتی صفوف خودشان از کل ماجرای آن بی اطلاعند) عجله برای سرهم بندی کردن گروهی تحت نام "کومه له" و از قافله دیالوگ واهی عقب نماندن بود. دیدار با مامورین وزارت اطلاعات هم نتوانست آرزوی قلبی مهدی و دیالوگ "تمننا" با آخوند خندان جناب خاتمی را ممکن کند و با شکست نوم خرداد کل این امپدیشان هم به نامیدی تبدیل شد. به این ترتیب یکی دیگر از پایه های ایجاد سازمان زحمتکشان از دست رفت و ضرورت وجودیشان را برجسته تر زیر سوال برد.

#### 3- امید بستن به نظم نوین جهانی و استراتژی جنگی آمریکا:

عبدالله مهدی به عنوان سرکرده سازمان زحمتکشان حدود یک دهه قبل از ایجاد سازمان فدرالیست کنونی در بجنوبه جنگ اول خلیج و در جریان رویدادهای کردستان عراق در سال 1991 امپدیش را به نظم نوین جهانی بوش پدر بست. آوارگی میلیونی و تراژیک مردم کردستان عراق را غنیمتی در خدمت "طرح مسئله کرد در یک کنفرانس بین المللی" میدید و برای آن کیسه توخت. (به مطلب پیامدهای منطقه ای جنگ خلیج از عبدالله مهدی مندرج در کتاب رویدادهای کردستان عراق صفحه 43 مراجعه کنید) مهدی و ایلخانی زاده و همفکرانشان از آن زمان و در درون کومه له در راستای انطباق سیاست و سازمانشان با استراتژی آمریکا در خاورمیانه تلاش کردند. الگوی همسویی احزاب حاکم ناسیونالیست در کردستان با آمریکا را افق و سیاست خود میدانستند. در

سرعت طی کرد. پدیده ای که عبدالله مهدی به عنوان اقدام "مثبت" خود در مصاحبه اخیرش با یک روزنامه کردی به نام آسو به آن مبالغت میکند. بعد از جدایی کمونیسم کارگری و در فضای ممانعت رهبری رسمی کومه له با این جریان ناسیونالیستی اینها بندریج در درون کومه له نیروی خود را سازمان دادند. نقد و هشدارهای پیگیر ما کمونیستهای کارگری علیه این جریان عقب مانده ناسیونالیستی هر چند دامنه عمل آنها را در درون کومه له محدود کرد. اما تردیدی در این نیست که اگر رهبری رسمی کومه له بند نافهای مشترک با آنها را قطع میکرد و مصلحتهای روز را کنار میداشت. همانوقت نقد و هشدارهای منصور حکمت و ما کمونیستهای کارگری را در همان حدی که هم امروز در مقاله مثبت صلاح مزوجی منعکس است، جدی میگرفت، بعید است این جریان قومی، ناسیونالیستی میتوانست به انجنان انشعابی دست بزند که در تابستان 2000 اقدام کرد. در هر حال یک محور شکل گیری سازمان زحمتکشان امید و اتکای این جریان به حاکمیت ناسیونالیسم کرد و الگو برداری از نسخه فدرالیسم در کردستان عراق بود. در شرایط امروز عراق و آن بی ثباتی گسترده و شرایط سناریو سیاهی حاکم، آینده حاکمیت ناسیونالیسم کرد همچنان مبهم است. دولت مرکزی عراق شکل نگرفته است تا دولت فدرال محلی کردها رسمیتی پیدا کند. نفرت از وضع موجود و علیه فساد سیاسی و اداری احزاب حاکم در اوج است. در اوضاع آشفته عراق طرح فدرالیسم هنوز معلق است. در نتیجه یکی از محورهای شکل گیری و تکیه گاه سیاسی سازمان زحمتکشان زیر سوال رفته است. همین مورد یکی از دلایل سرخوردگی و ناامیدی از بالا تا پایین این گروه شده است.

#### 2- خاتمی و نوم خرداد، در حسرت دیالوگ:

یک پایه مهم سرهم بندی کردن عجله سازمان زحمتکشان، امید به دیالوگ با خاتمی و جمهوری اسلامی بود. در دوران لفاظی های خاتمی حول "دیالوگ تمننا" عبدالله مهدی پلتانفرم برادر بزرگترش صلاح الدین مهدی را تحت نام "آشتی از راه فرهنگ" به دست گرفت. در اسفند 1377 و درست چند روز

## اخراج کارکنان و دانشجویان دانشگاهها همچنان ادامه دارد اخراج گروهی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کردستان محکوم است! (پری زارع)

اوجگیری این رویارویی ها در ماهها و هفته های اخیر، باید ۱۶ آذر امسال را به سوی يك فضای هر چه رادیکالتر و اعتراضی تر سوق دهد. ۱۶ آذر فقط به دانشجویان محدود نمیشود بلکه موقعیتی است که معلمان و کارمندان و اساتید و دانش آموزان مدارس و سایر مراکز آموزشی و حتی صنفهای دیگر میتوانند از آن استفاده کرده و اعتراض و تنفر خود را از بی حقوقی، عقب ماندگی و نابرابریهای موجود به نمایش بگذارند.

در ۱۶ آذر امسال باید در حد امکان با ایجاد اتحاد عملی سیاسی بین مراکز تحصیلی و نهادهای و شبکه های دانشجویی، حول شعارهای آزادیخواهانه و علیه فضای مختنق به میدان آمد، به اخراج و بیکارسازی های موجود که دانشجو و کارمند و کارگر و معلم و استاد را همگی در بر گرفته یکپارچه اعتراض کرد و صفی محکم و متحد در مقابل فضای سانسور و دستگیری و ارباب بوجود آورد.

به امید ۱۶ آتری متحد و یکپارچه در سرتاسر ایران!

پری زارع - ۲۷ نوامبر ۲۰۰۶ (۶ آذر ۸۵)

دانشجویان را به کمیته های انضباطی دانشگاهها فراخوانده اند و برای تعدادی از آنان حکم "منع موقت از تحصیل" صادر کرده اند.

این اقدامات سرکوبگرانه در کنار وقایع تاسف انگیزی چون قتل يك دانشجوی دانشگاه سبزوار توسط يك بسیجی و مرگ ناگهانی يك دانشجوی دانشگاه علامه سر کلاس درس به علت سکنه قلبی و عدم وجود مرکز درمانی در دانشگاه، اعتراض و رویارویی دانشجویان با عوامل رژیم در داخل و خارج از دانشگاهها را شدت بخشیده و به تحمیل چند روزه آنان در چند دانشگاه منجر شده است. اعتراض در دانشگاه امیر کبیر و دانشگاههای اصفهان و لرستان علیه عملکرد مدیریت و به رسمیت نشناختن تشکلهای صنفی دانشجویان و اساتید، همچنان ادامه دارد و کلاسهای درس را چندین روز به تعطیلی کشانده است.

اخراج دانشجویان و کارکنان و اساتید دانشگاهها و تشدید جو رعب و وحشت در حالی صورت میگیرد که فضای دانشگاهها در آستانه ۱۶ آذر کاملا اعتراضی و ملتهب است و تحرکات دانشجویی برای برگزاری مستقل این روز همچنان جریان دارد. در اکثر دانشگاهها دانشجویان برای بزرگداشت این روز حاضر به همکاری با انجمنهای اسلامی نیستند و اجازه برگزاری مستقل را نیز کسب نکرده اند.

بازگشت به سرکار و احقاق حقوق خود شده اند که اداره کار استان با تأیید این اقدام دانشگاه علوم پزشکی بار دیگر ضدیت خود را با کارگر و زحمتکش جامعه نشان داده است. این اقدام غیر انسانی دانشگاه علوم پزشکی کردستان و اداره کار ضد کارگر قویا محکوم است.

کارکنان اخراج شده باید تا ابقای کار و تا باز پس گرفتن حقوق خود از اعتراض و تلاش دست نکشند و تسلیم فشارهای دولتی نشوند. نباید به کسانی که عمل سرگردانی و بلاتکلیفی و بیکاری آنان هستند زره ای متوهم باشند و در همان حال برای باز پس گرفتن حقوق حقه خود کوتاه نیایند و تلاشی پیگیر را با حفظ اتحاد و همفکری به پیش ببرند.

گفتنی است که بیکار سازی و اخراج در دانشگاهها تنها به کارمندان و کارکنان واحدهای خدماتی محدود نبوده بلکه به بهانه های مختلف در مورد اساتید و دانشجویان نیز در تمامی دانشگاهها در جریان است. کلیه دانشگاهها در يك پروژه مشترک و سراسری در حال تشدید برخوردهای امنیتی با کارمندان، اساتید و تشکلهای دانشجویی هستند.

در چند هفته اخیر چند تن از اساتید دانشگاهها را به دلیل سکولار بودن اخراج و چند نفر از دانشجویان موسوم به ستاره دار را از ادامه تحصیل محروم کرده اند. ۱۱ انشربه دانشجویی را توقیف کرده اند. دهها تن از

هفته گذشته مدیریت دانشگاه علوم پزشکی کردستان تعداد ۱۴ نفر از کارکنان باسابقه خود را اخراج کرد. کارمندان اخراج شده که عمدتاً در مهد کودکیهای تحت نظارت دانشگاه مشغول به کار بودند، هر کدام دارای سابقه کار بالای ۲۰ سال بوده و بیشتر آنان رازنان سرپرست خانواده تشکیل میدهند.

در پی تصویب قانون "تعديل" کارکنان قراردادی و پیمانی شاغل در بخشهای خدماتی در سالهای ۷۵-۷۴، کارگران این بخشها همواره با کلبوس برخوردارن به این قانون غیر انسانی و از دست دادن شغلشان زندگی کرده اند. کاری که درآمدش بخصوص برای آندست از زنانی که خود سرپرست خانواده هستند بسیار ناچیز است و نه تنها کفاف يك زندگی آبرومند برای خود و فرزندان را نمیدهد بلکه به گفته خود آنان عده ای بخاطر عدم توان پرداخت اجاره خانه مجبور به زندگی در منزل پدري هستند.

این بیکار سازیها با توجیه واگذاری مهد کودکیها، سرویسهای حمل و نقل، آشپزخانه، تاسیسات و ... ادارات دولتی، به بخش خصوصی صورت میگیرد و ظاهراً از استان کردستان شروع شده و گسترش خواهد یافت.

کارکنان اخراج شده در حالی خواستار

توهم "اسم کومه له و چپ" در صفوف این جریان بسر میبرند، راه موثر و سالم سیاسی جدا کردن مسیر خود از سازمان زحمتکششان و هر دو جناح قوم پرست و ضد کمونیست آن است. پروسه ای که بیش از یکسال است با شتاب بیشتری در شهرهای کردستان اتفاق افتاده و تعداد قابل توجهی صفوف آنها را ترک کرده و به صف آزادیخواهی و چپ پیوسته اند. هر انسان متعهد به منافع مردم و هر کسی که خود را آزادیخواه و چپ میداند موظف به انتخاب چنین مسیر سازنده و مثبت است.

\*\*\*

و یا هر اسم مورد علاقه و متناسب با ماهیت سیاسی شان در کنار حزب دمکرات و پژاک و پ.ک.ک و خه بات اسلامی شیخ جلال، گوشه ای از جنبش کردیایه تی باشند. و چه بسا بتوانند به حزب دمکرات بپیوندند و یا با جناحی از حزب دمکرات، حزب دیگری در جنبش کردیایه تی بسازند. هر چه با شد موقعیت ناکام فعلی را تغییر میدهند.

7- صفوف این گروه قوم پرست را ترک کنید.

برای فعالین سیاسی و همه انستاهایی که در شهرهای کردستان و حتی در اردوگاههای نظامی و خارج کشور آنها هنوز با

راه شکست و ناکامی است. فکر نمیکند در صفوف خودشان هم این مسیر را کسی جدی بگیرد.

اما در مقابل جناح اقلیت آنها با به دست گرفتن حذف بند " سوسیالیست خواندن سازمانشان" میخورد به همه اعلام کنند، به عنوان شاخه ای از جنبش کردیایه تی هیچ قید و بند فرمال اساسنامه ای را نمی پذیرند. این واقعه با ماهیت قوم پرستانه سازمانشان خوانایی دارد و اتفاقاً راه حلی برای آینده آنها است. این جناح اگر بتواند علاوه بر حذف این بند اساسنامه ای خود را از اسم کومه له هم خلاص کند، مسیر مهمی را طی کرده که سر راست و صریح به اسم "سازمان فدرالیستهای کردستان، سازمان روز ه لات"

انقلابی" معرفی کرده، پشیمان شده است. ظاهراً به سبک امثال "محمد حاجی محمود حزب سوسیالیست" کردستان عراق میخورد عنوان "سوسیالیست" را برای احتمالات آتی حفظ کند. بر خلاف دنیای محاسبه گرانه و بقالانه عبدالله مهددی و جناحش منتها است جامعه و جریانات سیاسی آنها را نه به عنوان "چپ" بلکه به عنوان یک جریان ضد چپ و ضد کمونیست و ناسیونالیست قوم پرست میشناسند. حفظ ظاهری و فرمال بند "سوسیالیست" برای سازمانی قوم پرست با کارنامه "زیبایی" شش ساله اخیر نه نشان دادن راه بلکه بیراهه است. مسیر عبدالله مهددی آینده ندارد و دوباره قدم گذاشتن در

امکان انواع معلق زندهای سیاسی و غیر سیاسی درست نقطه مقابل هم را به سازمان زحمتکششان میدهد. در هر حال اختلاف عبدالله مهددی و عمر ایلخانی زاده در راس دو جناح کمیته مرکزی این جریان تلاشی برای "بازسازی" دکان سیاسیشان در دوره بعد از شکست اخیر است. عبدالله مهددی در دوره بعد از شکست اخیر و طبق مصلحتهای روز و اپورتونیستی و بعد از سبک و سنگین کردنها و ناخن جویندنیهای دوساله از پیشنهاد دو سال قبل خود مبنی بر حذف بندی از اساسنامه که جریانشان را در سطح کاغذ "سوسیالیستی و

آثار منصور حکمت را بخوانید و بازتکثیر کنید!

به سایت منصور حکمت مراجعه کنید!

Www.hekmatist.com

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## به جوانان و مردم مبارز سقز در حاشیه بازدید بدنی دانش آموزان دبیرستان مهر (خالد حاج محمدی)

مردم مبارز سقز!

اینکه به دستور وزارت اطلاعات دانش آموزان بازدید شوند و تلاش کنند فضای به مراتب مختق تری را بر محیطهای آموزشی اعمال کنند، اینکه تلاش کنند مقررات اسلامی علیه زنان اعمال کنند، اینکه تلاش کنند چشم و گوش ما را بر حقایق دنیای اطرافمان ببندند و همه را به تسلیم وادار کنند، امری است بسیار قابل انتظار. جمهوری اسلامی در سالیان عمر خود همیشه و به هر میزان امکان پیدا کرده است، از اعمال هر نوع فشار و زندان و سنگسار و جنایتی علیه مردم کوتاهی نکرده است. این رژیم با این اعمال مانده است و با این اعمال میتواند به عمر خود ادامه دهد.

مهم این است جواب ما به این اعمال چیست. مهم این است عکس العمل جوانان در دبیرستان مهر به این اقدامات کثیف مقامات مدرسه چیست. مهم این است پدران و مادران آنها و مدارس دیگر در این شهر، دانشگاههای سقز و جوانان و مردم شهر در مقابل این بی حرمتی آشکار کاری خواهند کرد یا نه. آیا با سکوت میتوان این

این مدرسه را بدون اطلاع خود آنها نقیض کنند و بدنیل به بازدید بدنی آنها بپردازند، و همین که مرکز ارشاد اسلامی به خود جرات داده باشد قوانین برای زنان وضع کند و در خصوصی ترین مسائل آنها نخالت کند، باید هشدار جدی به همه ما باشد. این ماجرا تنها به سقز مربوط نیست و طبق اطلاع در سنج هم اقداماتی را برای کنترل بیشتر جوانان و مردم در دستور گذاشته اند. در همین چند روز گذشته مراکزی را برای بازدید و کنترل بیشتر در این شهر دایر کرده اند. اینها را در کنار کل اقدامات جمهوری اسلامی از افزایش فشار و دستگیری و ارباب به کارگران تا اخراج دانشجویان مبارز در دانشگاههای مختلف، تا اعدام تعدادی از مردم در ملا عام و تا بسیج تعدادی اوباش در زندان اوین علیه زندانیان سیاسی و تا دهها اقدام دیگر، همگی نشانگر تلاشی جدی از جانب جمهوری اسلامی برای ایجاد فضای رعب و وحشت و تسلیم مردم به جهنمی است که ساخته اند. جوانان، زنان!

طبق اخبار، روشای دبیرستان انتقاعی مهر به دستور وزارت اطلاعات و مرکز ارشاد اسلامی، روز چهارشنبه ۸ آذر هنگام زنگ تفریح، بدون اطلاع دانش آموزان به کلاسها رفته و اموال آنها را بازدید کرده اند، و هنگام برگشت دانش آموزان به کلاسها نیز خود آنها را بازدید بدنی کرده اند. مسئولین این مدرسه در خصوص دلایل این عمل خود هیچ توضیحی نداده اند. در این ماجرا مقداری از اموال دانش آموزان این مدرسه ضبط شده است.

طبق خبری دیگر در همین شهر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مقرراتی را برای تردد زنان به ادارات وضع کرده اند. طبق خبری که در این زمینه در سایتها آمده است، در اطلاعیه ارشاد اسلامی از نوع لباس زنان تا کفش و آرایش، قانون وضع کرده اند. طبق اطلاع ما تا کنون این مقررات به ادارات دولتی ابلاغ نشده است.

اما همینکه مقامات مدرسه مهر چنین گستاخانه به خود اجازه میدهند وسایل صدها دانش آموز

مردم به این اعتراض نکنند، پس چه؟ آیا این انتظاری اضافه از مردمی است که تاکنون بارها به انواع شیوه علیه فشار و ارباب جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند؟ راه میان بری نیست و خود ما باید از حقوق خود دفاع کنیم.

جوانان! این تنگ را نباید قبول کرد. باید علیه اجحافات و فشارهای جمهوری اسلامی در مدرسه، محل کار، در محله متحد شد. باید از هم دفاع کرد و علیه این قلدری و افسارگسیختگی ایستاد. تنها اتحاد ما، تنها اعتراض متحدانه ما جوانان، ما زنان و ما مردم ضامن عقب راندن جمهوری اسلامی است. آلان هم نباید از کنار واقعه مدرسه مهر گشت. مقاماتی که چنین مجری مراکز جاسوسی رژیم شده اند، مجرمند و باید از مدرسه بیرونشان کرد. باید حالیشان کرد که این تنگ را دانش آموزان این دبیرستان و بقیه جوانان و مردم نمی پذیرند. این دیگر بر عهده خود شما جوانان است که این توهین و اهانت را قبول نکنید و اجازه ندهید به حرمت و کرامت انسانی شما بی حرمتی کنند.

خالد حاج محمدی

khaledhajji@yahoo.com

## علیه حکم تبعید پیمان نودینیان اعتراضی محکم لازم است

انتظار دارد در تحرک اعتراضی دانشجویان ایران در 16 آذر به حکم تبعید پیمان نودینیان اعتراض جدی صورت بگیرد. به علاوه همه جریانات آزادیخواه در خارج کشور را نیز به کمپینها و اقدامات اعتراضی موثر علیه تعرضات جمهوری اسلامی فرا میخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری حکمتیست  
13 آذر 1385 - 4 دسامبر  
2006

گسترده اعتراضات بخشهای مختلف جامعه را میطلبد. کمیته کردستان حزب حکمتیست حکم تبعید پیمان نودینیان را محکوم میکند. از همه نهادها، شخصیتها و جریانات آزادیخواه و مدافع حقوق انسانی و مدنی در داخل ایران میخواهد هماهنگ با هم در اعتراض به اعمال فشار و محدودیتها بر جامعه و حاکم کردن بیشتر استبداد و در دفاع از حق آزادی و بیان و تشکل و اجتماعات و علیه حکم تبعید پیمان نودینیان اقدام اعتراضی مناسب را در دستور بگذارند.

سیاسی و اجتماعی و مدنی را سرکوب میکند. با اعمال فشار و انیت و آزار و زندان و تبعید میخواهد فعالین اجتماعی و مدنی و سیاسی را مرعوب کند. دستگیری مجدد دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر اعضای رهبری آن، حکم زندان فعالین کارگری سقز، احضار به فعالین دانشجویی و حکم تبعید پیمان نودینیان و فشار و محدودیتها در آستانه 16 آذر همگی در خدمت اهداف سرکوبگرانه رژیم ضد انسانی حاکم است. این اعمال و سیاست جمهوری اسلامی صف قوی و

از اعتراض به حکم بدوی سرانجام به دوسال تبعید در استان زنجان تغییر یافته و حکم صادره قطعی و از روز دریافت آن لازم الجرا و به وی ابلاغ گردیده است که مجبور به ترک جغرافیای محل زندگی و کارش و انتقال به استان زنجان است.

این اقدام جمهوری اسلامی در تداوم تعرض این رژیم ضد انسانی علیه حقوق اولیه شهروندان جامعه و در راستای مختنق کردن فضای جامعه است. جمهوری اسلامی میخواهد جامعه و فعالیتهای

طبق اخبار رسیده پیمان نودینیان دبیر انجمن معلمان استان کردستان و عضو هیئت مدیره کانون دفاع از حقوق کودکان به نو سال تبعید در استان زنجان محکوم شده است. این حکم روز یازده آذر 1385 از سوی شعبه اول شورای عالی تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری صادر شده است. لازم به یاد آوری است که پیمان نودینیان بدلیل فعالیتهای مدنی و صنفی تابستان سال جاری به 5 سال تبعید در استان کهگیلویه و بویر احمد محکوم گردید. پس

# نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade\_r@yahoo.com  
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi abdollah@yahoo.com  
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!